

معاهده ترکمانچای

هو الله

دیباچه عهدنامه ایران و روس

الحمد لله الوافی و الکافی بعد از انعقاد عهدنامه مبارکه گلستان و مبادلات و معاملات دوستانه دولتین علیتین و ظهور آداب کمال مهربانی و یکجہتی حضرتین بهتین به مقتضای حرکات آسمانی برخی تجاوزات ناگہانی از جانب سرحد داران طرفین به ظهور رسیده که موجب سnoch غوایل عظیمه شد و از آن جا که مرآت ضمائر پادشاهانہ جانین از غبار این گونه مخاطرات پاک بود اولیای دولتین علیتین تجدید عهد مسالمت را اهتمامات صادقانه و کوشش های منصفانه در دفع و رفع غایله اتفاقیه به ظهور رسانیده عهدنامه مبارکه جدید به مبانی و اصولی که در طی فصول مرقومه مذکور است مرقوم و مختوم آمد به مهر و کلای دولتین علیتین و در ماه شوال در سال هزار و دوست و چهل و نه ہجری به امضای ہمایون شرف استقرار و استحکام پذیرفت. بر اولیای دولتین لازم است کہ از این پس در تحصیل موجبات مزید دوستی و موافقت اهتمامات صادقانه مبذول دارند و اسباب استحکام و استقرار معاهده مبارکه را به مراودات دوستانه متزاید خواهند و اگر در معادات تکمیل امور دوستی قصوری بیند به امضای خواهشهای منصفانه تدارک آن را لازم بشمارند و دقیقه از دقائق دوستی را مهمل و متروک نگذارند.

بسم الله الرحمن الرحيم

چون اعلیحضرت قضا قدرت، پادشاه اعظم والجاه، امپراطور اکرم شوکت دستگاه، مالک بالاستحقاق کل ممالک روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت، خسرو نامدار پادشاه اعظم با اقتدار ممالک ایران، چون هر دو علی السویه اراده و تمنای صادقانه دارند که به نواب و مکاره جنگی که بالکلیه منافی رأی والای ایشان است نهایتی بگذارند و سنتهای قدیم حسن مجاورت و مودت را مابین این دو دولت بواسطه صلحی که متضمن دوام باشد و بواعث خلاف و نفاق آتیه را دور کنند در بنای مستحکم استقرار دهند، لهذا برای تقدیم این کار خجسته آثار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جناب ژان پاسکویچ، جنرال آنفاندری، سردار عسکر جداگانه قفقاز، ناظم امورات ملکیه گرجستان و ولایات قفقاز و حاجی ترخان، مدیر سفاین حریه بحر خزر، صاحب حمایلات الکسندر نویسکی مقدس مرصع به الماس، به آن مقدس مرتبه اول مرصع به الماس، ولادیمیر مقدس مرتبه اول و گیورگی مقدس مرتبه دویم و صاحب دو شمشیر افتخاری یکی طلا موسوم «برای شجاعت» و دیگری مرصع به الماس و صاحب حمایلات دول خارجه مرتبه اولین عقاب سرخ پیکر پروسیه، هلال دولت عثمانی و نشان های دیگر و جناب «الکسندر اوبرو سکوف» صاحب حمایلات مقدسه ثالث ولادیمیر، مرتبه ثانی سن استانیسلاس لهستان، مرتبه دوم سن ژان بیت، و از طرف اعلیحضرت قویشوکت پادشاه ممالک ایران نواب مستطاب والا شاهزاده نامدار عباس میرزا را و کلای مختار خود تعیین کردند و ایشان

بعد از آن که در ترکمنچای مجتمع شدند و اختیار نامه خود را مبادله کرده و موافق قاعده و شایسته دیدند، فصول آتیه را تعیین و قرارداد کردند:

فصل اول- بعد الیوم ما بین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه

ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه و مودت و وفاق کاملی الی یوم الأبد واقع خواهد بود.

فصل دوم- چون جدال و نزاعی که فیما بین عهد کنندگان رفیع الارکان واقع شد و

امروز بسعادت منقطع گردید، عهود و شروطی را که بموجب عهدنامه گلستان، بر ذمت

ایشان لازم بود موقوف و متروک می دارد، لهذا اعلیحضرت کل ممالک روسیه و

اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران چنین لایق دیدند که به جای عهدنامه مزبوره گلستان،

عهدنامه دیگر به این شروط و عهود و قیود قرار دهند که ما بین دو دولت روس و ایران

بیشتر از پیشتر موجب استقرار و انتظام روابط آتیه صلح و مودت گردد.

فصل سیم- اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و از جانب ولیعهدان و

جانشینان به دولت روسیه واگذار می کند تمامی الکای نخجوان و ایروان را - خواه این

طرف روس باشد یا آن طرف. و نظر به تفویض، اعلیحضرت ممالک ایران تعهد می کند

که بعد از امضاء این عهدنامه، در مدت شش ماه، همه دفتر و دستور العمل متعلق به اداره

این دو دولت مذکوره باشد به تصرف امرای روسیه بدهند.

فصل چهارم - دولتین علیتین معاهدتین عهد و پیمان می کنند که برای سر حد فیما بین دو مملکت بدین موجب سر حد وضع نمایند:

از نقطه سر حد ممالک عثمانی که از خط مستقیم به قله کوه آغری کوچک اقرب است.

ابتدا کرده، این خط تا به قله آن کوه کشیده می شود و از آنجا به سر چشمه رودخانه

مشهور به قرا سوی پایین که از سر اشیب جنوبی آغری کوچک جاریست فرود آمده، به

متابعت مجرای این رودخانه تا به التقای آن رودخانه ارس در مقابل شرور ممتد می شود.

چون این خط به آن جا رسید به متابعت مجرای ارس تا به قلعه عباس آباد می آید و در

تعمیرات و ابنیه خارجه آن که در کنار راست ارس واقع است نصف قطری بقدر نیم آغاج

که عبارت از سه ورس و نیم روسی است رسم می شود و این نصف قطر در همه اطراف

امتداد می یابد. همه اراضی و عرصه که در این نصف قطر محاط و محدود می شود

بالانفراد متعلق به روسیه خواهد داشت و از تاریخ امروز در مدت دو ماه با صحت و

درستی کامل معین و مشخص خواهد شد و بعد از آن از جایی که طرف شرقی این نصف

قطر متصل به ارس می شود خط سر حد شروع و متابعت مجرای ارس می کند تا به مسیر

یدی بلوک و از آن جا از خاک ایران به طول مجرای ارس امتداد می یابد با فاصله و

مسافت سه آغاج که عبارتست از بیست و یک ورس روسی.

بعد از وصول به این نقطه خط سر حد به استقامت از صحرای مغان می گذرد تا به مجرای

رودخانه موسومه بالهارود به محلی که در سه فرسخی واقع است که عبارتست از بیست و

یک ورس روسی پایین تر از ملتقای دو رودخانه کوچک موسوم به آدینه بازار و ساری قمیش و از آن جا این خط به کنار چپ بالهارود تا به ملتقای رودخانه های مذکور آدینه بازار و ساری قمیش صعود کرده به طول کنار راست رودخانه آدینه بازار شرقی تا به منبع رودخانه و از آن جا تا به اوج بلندی های جگیر امتداد می یابد، به نوعی که جمله آبهای که جاری به بحر خزر می شوند متعلق به روسیه خواهد بود و همه آبهایی که سراشیب و مجرای آنها به جانب ایران است تعلق به ایران خواهد داشت.

و چون سر حد دو مملکت این جا بواسطه قله جبال تعیین می یابد، لهذا قرار داده شد که پشته هایی که از این کوهها به سمت بحر خزر است به روسیه و طرف دیگر آنها به ایران متعلق باشد. از قله های بلندی های جگیر خط سر حد تا به قله کمر قویی به متابعت کوههایی می رود که طالش را از محال ارشق منفصل می کند. چون قله جبال از جانبین مجرای میاه را می دهند، لهذا در این جا نیز خط سر حد را همان قسم تعیین می کند که در فوق در باب مسافت واقعه بین منبع و آدینه بازار و قله جگیر گفته شد و بعد از آن خط سر حد از قله کمر قویی به بلندی های کوههایی که محال زوند را از محال ارشق فرق می دهد متابعت می کند تا به سر حد محال ولکیج همواره بر طبق همان ضابطه که در باب مجرای میاه معین شد، محال زوند بغیر از آن حصه که در سمت مخالف قله جبال مذکوره واقع است از این قرار حصه روسیه خواهد بود. از ابتدای سر حد محال ولکیج خط سر حد ما بین دو دولت به قله جبال کلوتویی و سلسله کوههای عظیم که از ولکیج می گذرد

متابعت می کند تا به منبع شمالی رودخانه موسوم به آستارا پیوسته به ملاحظه همان ضابطه در باب مجرای میاه و از آن جا خط سرحد متابعت مجرای این رودخانه خواهد کرد تا به ملتقای دهنه آن به بحر خزر و خط سرحد را که بعد از این متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد داد تکمیل خواهد نمود.

فصل پنجم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای اثبات دوستی خالصانه که نسبت به اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه دارد به این فصل از خود و از عوض اخلاف و ولیعهدان سریر سلطنت ایران تمامی الکا و اراضی و جزایری را که در میانه خط حدود معینه در فصل مذکور فوق و قتل برف دار کوه قفقاز و دریای خزر است و کذا جمیع قبایل را چه خیمه نشین چه خانه دار، که از اهالی و ولایات مذکور هستند واضحاً و علناً الی الابد مخصوص و متعلق به دولت روسیه می داند.

فصل ششم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به تلافی مصارف کثیره که دولت روسیه را برای جنگ واقعه بین الدولتین اتفاق افتاده و همچنین به تلافی ضررها و خسارت هایی که به همان جهت به رعایای دولت روسیه رسیده تعهد می کند که بواسطه دادن مبلغی وجه نقد آنها را اصلاح نماید و مبلغ این وجه بین الدولتین به ده کرور تومان رایج قرار گرفت که عبارت است از بیست میلیون مناط سفید روسی، و چگونگی در موعد و رهاین فصول این وجه در قرارداد علاحده که همان قدر قوت و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظاً به لفظ در این عهدنامه مصالحه حالیه مندرج است، معین خواهد شد.

فصل هفتم - چون اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران شایسته و لایق دانسته همان فرزند خود عباس میرزا را ولیعهد و وارث تخت فیروزی بخت خود تعیین نموده است، اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه برای این که از میل های دوستانه و تمنای صادقانه خود که در مزید استحکام این ولیعهدی دارد به اعلیحضرت پادشاهی شاهنشاه ممالک ایران برهانی واضح و شاهی لایح بدهد، تعهد می کند که از این روز به بعد شخص وجود نواب مستطاب والا شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و وارث برگزیده تاج و تخت ایران شناخته، از تاریخ جلوس به تخت شاهی، پادشاه بالاستحقاق این مملکت می داند.

فصل هشتم - سفاین تجارتی روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که به آزادی بر دریای خزر به طول سواحل آن سیر کرده به کناره های آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتیهای تجارتی ایران را استحقاق خواهد بود که به قرار سابق در بحر خزر سیر کرده، به سواحل روس آمد و شد نمایند و در آن سواحل در حال شکست کشتی به همان نسبت استعانت و امداد خواهند یافت. در باب سفاین حربیه که علم های عسکریه روسیه دارند چون از قدیم بالانفراد استحقاق داشتند که در بحر خزر سیر نمایند، لهذا همین حق مخصوص کما فی السابق امروز به اطمینان به ایشان وارد می شود، به نحوی که غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نمی تواند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد.

فصل نهم - چون مکتون خاطر اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران است که من کل الوجوه عهدی را که به این سعادت و میمنت ما بین ایشان مقرر گشته مستحکم نمایند، لهذا قرارداد نمودند که سفراء و وکلا و کارگزارانی

که از جانبین به دولتین علیتین تعیین می شود - خواه برای انجام خدمت های اتفاقی یا برای اقامت دایمی - به فراخور مرتبه و موافق شأن دولتین علیتین و بملاحظه مودتی که باعث اتحاد ایشان گشته به عادت ولایت مورد اعزاز و احترام شوند و در این باب دستور العملی مخصوص و تشریفاتی قرار خواهند کرد که از طرفین مرعی و ملحوظ گردد.

فصل دهم - چون اعلیحضرت امپراطور کل روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران استقرار و افزایش روابط تجارت را ما بین دو دولت مانند یکی از نخستین فواید ملاحظه کردند که می بایست از تجدید مصالحه حاصل شود، لهذا قرارداد نمودند که تمامی اوضاع و احوال متعلقه به حمایت تجارت و امنیت تبعه دو دولت را به نوعی که متضمن مرابطه کامله باشد معین و منتظم و در معاهده جداگانه ای که به این عهدنامه ملحق و ما بین وکلای مختار جانبین مقرر و مانند جزو متمم او مرعی و ملحوظ میشود مضبوط و محفوظ دارند.

اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای دولت روس کما فی السابق این اختیار را مرعی می دارد که در هر جا که مصلحت دولت اقتضا کند کونسولها و حامیان تجارت تعیین نمایند و تعهد می کند که این کونسولها و حامیان تجارت را که هر یک زیاده از ده نفر اتباع

خواهد داشت فراخور رتبه ایشان مشمول حمایت و احترامات و امتیازات سازد و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود وعده می کند که درباره کونسولها و حامیان تجارت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به همین وجه مساوات کامله مرعی دارد.

در حالتی که از جانب دولت ایران نسبت به یکی از کونسولها و حامیان تجارت روسیه شکایتی محققه باشد، وکیل و یا کارگزار دولت روس که در دربار اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران متوقف خواهد بود و این حامیان و کونسولها بلاواسطه در تحت حکم او خواهد شد، او را از شغل خود بیدخل داشته به هر که لایق داند اداره امور مزبور را بر سبیل عادیه رجوع خواهد کرد.

فصل یازدهم - همه امور و ادعاهای تبعه طرفین که به سبب جنگ به تأخیر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت به اتمام خواهد رسید و مطالباتی که رعایای دولتین جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند به تعجیل و تکمیل وصول پذیر خواهد شد.

فصل دوازدهم - دولتین علیتین معاهدتین بالاشتراک در منفعت تبعه جانبین قرارداد می کنند که برای آنهایی که مابین خود به سیاق واحد در دو جانب رود ارس املاک دارند موعدی سه ساله مقرر نمایند تا به آزادی در بیع یا معاوضه آنها قدرت داشته باشند، لکن اعلیحضرت امپراطور کل روسیه از منفعت این قرارداد در همه آن مقداری که به او تعلق و

واگذار می شود، سردار سابق ایروان حسین خان و برادر او حسن خان و حاکم سابق نخجوان کریم خان را مستثنی می دارد.

فصل سیزدهم - همه اسیرهای جنگی دولتین خواه در مدت جنگ آخر باشد یا قبل از آن و همچنین تبعه طرفین که به اسیری افتاده باشند از هر ملت که باشد همگی بغایت چهار ماه به آزادی مسترد و بعد از آنکه جیره و سایر تدارکات لازمه به آنها داده شد به عباس آباد فرستاده می شوند تا اینکه به دست مباشرین جانبین که در آن جا مأمور گرفتن و تدارکات فرستادن ایشان به ولایت خواهد بود تسلیم شوند.

دولتین علیتین در باب همه اسیرهای جنگ و تبعه روس و ایران که به اسیری افتاده و به علت دوری مکان هایی که در آن جا بوده اند یا به علت اوضاع و اسباب دیگر بعینه مسترد نشده باشند، همان قرارداد را می کنند و هر دو دولت ای وقت کان اختیار بی حد و نهایت خواهند داشت که آنها را مطالبه کنند و تعهد می کنند که هر وقت اسیر خود به دولت عرض نماید یا ایشان را مطالبه کنند از جانبین مسترد سازند.

فصل چهاردهم - دولتین علیتین معاهدتین جلای وطن کنندگان و فراریان را که قبل از جنگ یا در مدت آن به تحت اختیار جانبین گذاشته باشند مطالبه نمی کنند ولیکن برای منع نتایج مضره جانبین که از مکاتبات و علاقه خفیه بعضی از این فراریان با هم ولایتیان یا اتباع قدیم ایشان حاصل می تواند شد، دولت ایران تعهد می کند که حضور و توقف اشخاصی را که الحال یا بعد از این باسمه به او مشخص خواهد شد از متصرفات خود که

مابین ارس و خط رودخانه مرسوم به جهریق و دریا و حد ارومی و رودخانه مشهور به جیقتو و قزل اوزن تا التقای آن به دریا واقع است رخصت می دهد.

اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود همچین وعده می کند که فراریان

ایران را در ولایت قراباغ و نخجوان و کذالک در آن حصه ولایت ایروان که در کنار

راست رود ارس واقع است اذن توطن و سکنی ندهد، لیکن معلوم است که این شرط

مجری و معمول نبوده و نخواهد بود، مگر در باب اشخاصی که صاحب مناصب ملکیه یا

مرتب و شأن دیگر باشد، مانند خوانین و بیگ ها و ملاهای بزرگ که صورت رفتارها و

اغواها و مخابرات و مکاتبات خفیه ایشان درباره همولایتیان و اتباع و زیر دستان قدیم خود

موجب یک نوع رسوخ و تأثیر به افساد و اخلال تواند شد.

در خصوص رعایای عامه مملکتین مابین دولتین قرارداده شده که رعایای جانین که از

مملکتی به مملکت دیگر گذشته باشند، یا بعد از این بگذرند مأذون و مرخص خواهند بود

که در هر جایی که آن دولت که این رعایا به تحت حکومت و اختیار او گذاشته باشند

مناسب داند سکنی و اقامت کنند.

فصل پانزدهم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به این حسن اراده که آرام و آسایش را

به ممالک خود باز آورد و موجبات مکاره را که اکنون به سبب این جنگ و خصومت بر

اهالی مملکت روی آورده و به جهت انعقاد این عهدنامه که به فیروزی تمام سمت انجام

می پذیرد از ایشان دور کرده، همه رعایا و ارباب مناصب آذربایجان عفو کامل و شامل

مرحمت می فرمایند و هیچ یک از ایشان بدون استثنای مراتب و طبقات به جرم عرضه ها و عملها و رفتارهای ایشان که در مدت جنگ یا در اوقات تصرف چند وقت قشون روسیه از ایشان ناشی شده نباید معاقب شوند و آزار ببینند و نیز از امروز یکساله مهلت به ایشان مرحمت می شود که به آزادی با عیال خود از مملکت ایران به مملکت روس انتقال نمایند و اموال و اشیاء خود را نقل یا بیع کنند، بدون اینکه از جانب دولت یا حکام ولایت اندک ممانعت کنند یا از اموال و اشیاء منقوله یا مبیعه ایشان حقی و مزدی اخذ نمایند. و در باب املاک ایشان پنج سال موعده مقرر می شود که در آن مدت بیع به حسب خواهش خود بنا گذاری در باب آنها نمایند، و از این عفو و بخشش مستثنی می شوند کسانی که در این مدت یکساله به سبب بعضی تقصیرها و گناهایی که مستلزم سیاست دیوانخانه باشد مستوجب عقوبت می گردد.

فصل شانزدهم- بعد از امضای این عهدنامه مصالحه، فی الفور و کلای مختار جانبین اهتمام خواهند داشت که به همه جا دستورالعمل و حکم های لازمه بفرستند تا بلا تأخیر خصومت را ترک نمایند.

این عهدنامه مصالحه که در دو نسخه به یک مضمون ترتیب یافته است و به دستخط و کلای مختار جانبین رسیده به مهر ایشان مهمور و مابین ایشان مبادله شده است. از جانب اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مصدق و

ممضی و تصدیق نامه های متداوله که به دستخط مخصوص ایشان مزین خواهد بود و در

مدت چهارماه یا زودتر اگر ممکن باشد مابین و کلای مختار ایشان مبادله خواهد شد.

تحریراً در قریه ترکمان چای، به تاریخ دهم شهر (؟) فیورال روسی سنه یک هزار و

هشتصد و بیست و هشت (۱۸۲۸م). مسیحیه که عبارت است از پنجم شهر شعبان المعظم

سنه یک هزار و دویست و چهل و سه (۱۲۴۳ق). هجری به ملاحظه و تصدیق نواب نایب

السلطنه رسید و به امضای وزیر دول خارجه عالیجاه میرزا ابوالحسن خان رسید.